



در باب دشواری «مرضیه بودن»!

فرهادی
توحیدی
فیلمنامه‌نویس

اگر بخوایم مرضیه برومند را تنها با یک عبارت توصیف کنیم می‌نویسم «جمع اضداد»؛ همچنان که در باب حضور اجتماعی اش می‌شود نوشت: «غریب آشنا»! او هر چند قدر دیده؛ اما واقعاً قدر ناشناخته مانده است. هر کسی از ظن خود شد یار من! از درون من نجست اسرار من! مرضیه جان چنین است: خشن دل‌نازک، صریح‌اللهجه مأخوذ به است: خانواده‌برای او در اولویت امور است. اگر بگویم که بعد از فوت پدر نازنینش به‌رغم حضور خواهر و برادر بزرگتر، خاندان برومند را هدایت می‌کند، گرافه‌گویی نکرده‌ام. مرضیه در مورد وضعیت خانوادگی دوستان و آشنایان - و حتی غریبه‌ها - حساس است. اگر تشخیص دهد که جایی باید به نفع تحکیم خانواده دخالت کند درنگ نمی‌کند. مرضیه رفیق‌باز است. همان‌طور که دست و دل باز است، خانه‌اش دست کمی از کاروانسرای شاه عباسی ندارد. منزل امید دوستان است. آشنای قابل هم هست. بعضی از غذاهاش رقیب ندارد. بعضی‌ها برای خوردن بعضی غذاها که او در پختن‌اش استاد است -مثل دم‌پخت- سالی چندبار مزاحمش می‌شوند: مرضیه ساده‌زیست است. ادا و اصول ندارد. از دیگر اموری که او در آن ثبات قدم دارد و وسواس، نظم و پاکیزگی است. از دومی به هیچ ترتیب کوتاه نمی‌آید. مرضیه خالم در کار خیر پیش قدم است. اگر گریه در کار دوستان باشد تا باز کردن گره از پا نمی‌نشیند. او منتقد جدی بی‌فرهنگی است و در مقابل رفتار نادرست سکوت نمی‌کند. مبارز جدی

و فعال طرفدار محیط‌زیست است و در این مورد با کسی تعارف ندارد. بیش از سه دهه رفاقت و همکاری این فهرست را بسیار طولانی‌تر کرده است. اما می‌خواهم با یادآوری دو نکته دیگر شرح ویژگی‌های شخصی او را درز بکشم. مرضیه در مقابل بیماری و درد یا غم و اندوه مقاوم است، و به لطف شوخ‌طبعی بی‌پایانش دردها را کم‌مقدار جلوه می‌دهد. همین چندی پیش که عمل جراحی سخت و پیچیده‌ای را پشت سر گذاشته بود و گمان می‌کردیم درد او را ز پا انداخته باشد، همراه‌ها و نیما به عبادتش رفتیم. پیشاپیش چهره‌مان گرفته و درهم رفته بود، اما در طول ملاقات چنان فضا را با خنده و شوخی تلطیف کرد که انگار او به عبادت ما آمده تا دل‌داری‌مان دهد.

شوخ‌طبعی و بذله‌گویی او با جاشنی داستان‌ها و حکایت‌هایی از زندگی خانوادگی، خاطرات دوستان و خاطرات کاری و حرفه‌ای آمیخته و سرزندگی و نشاط در آن موج می‌زند. می‌گوید: «بهرام شاه محمدملو به خواستگاری راضیه آمده بود و بعد از پایان گفت‌وگوهای معمول صحبت به تعیین تاریخ عقد و عروسی رسید. حاج آقای برومند گفت تقویم بیاورند تا مناسبی بر اساس ایام سعد انتخاب کنند. خودش هم مناسبی را انتخاب کرد که به نظر بهرام خیلی دور بود، بهرام اصرار داشت که مراسم را جلوتر برگزار کنند. دوسه‌بار مناسب‌های نزدیک‌تر را پیشنهاد کرد و تاریخ را تغییر داد و باز هم دنبال مناسبیت نزدیک‌تری می‌گشت که حاج آقا گفت «به این شب جمعه شما وصال نمی‌دهد آقا!» وقتی داستان را تعریف می‌کند خودش بلندتر از دیگران می‌خندد و در نمایه داستان را دوباره تکرار می‌کند. خودش می‌گوید: «به من می‌گویند قاتل فیلمنامه‌نویس‌ها» و باز هم بلند می‌خندد و از قول پیمان قاسم‌خانی این‌گزاره را تکرار می‌کند. از باب شوخی می‌گویم پس زنده ماندن مرا چطور تعبیر می‌کنی؟ مرضیه سرکار با کسی شوخی ندارد. کار، بیماری و چالش‌های زندگی‌اش را با دشواری خلق می‌کند و بعد آسان‌رهای می‌کنید.» می‌گوید: «باید شیره سکانس را بکشید» راست می‌گوید. در کار فیلمنامه‌گریزه عجیب

به بهانه ۷۴ سالگی مرضیه برومند

زنی که با فاصله شماره یک ایران است

گرچه امروز در هفدهم خرداد، قدم به ۷۴ سالگی گذاشته اما هنوز کودک درونش چنان پویاست که با تماشای او فقط خاطرات کودکانه‌ای که ساخته تداعی نمی‌شود بلکه تمنای کودکی و خیال و خاطره در وجود انسان جان می‌گیرد. به بهانه تولد او مصاحبه مفصلی با حضور منصور ضابطیان در روزنامه ایران انجام شد که می‌توانید در شماره فردا بخوانید. در اینجا اما دو روایت از دو نفر از دوستان و همکاران نزدیک او: فرهاد توحیدی و امیر انبائی می‌خوانید که خوانش دو سینماگر از یکی از ماندگارترین نام‌های زن سینمای ایران است.

و ناخودآگاهش بر دانش آکادمیکش می‌چربد. به دلیل انباشت سال‌ها تجربه در اغلب موارد هم درست می‌گوید. اما وقتی کار به اجرا می‌رسد، او یکپارچه معرفت عملی است. کار عروسی‌اش را می‌گویم. با احترام به محضر همه اساتید و هنرمندان عروسی‌کی او با فاصله بسیار شماره یک ایران است. اگر بگویم بعد از درگذشت جیمز موری هنسن خالق شخصیت‌های سامی استریت، شماره یک جهان است افرات نکرده‌ام. در کار تلفیقی عروسی‌کی و زنده شیوه عروسی‌گردانی و پیچیدگی‌های حرکت عروسی‌گردان‌ها و دکوپاژهای سینمایی او برای تصویربرداری گاه‌های عروسی‌کی باید تدریس شود. این جنبه از کار اوست که به اندازه کافی شناخته شده نیست. اگر

اشتباه نکنم در حال حاضر در سینمای جهان هم دیگر کسی با این روش فیلم نمی‌سازد. جلوه‌های ویژه جای همه چیز را گرفته است. کما اینکه تلقی عمومی از کار عروسی‌کی در ایران هم یعنی فک زدن عروسی‌های وراج در یک دکور ثابت! مرضیه متعصبانه - تعصب را به معنی از سر غیرت می‌گیرم - و تقریباً یک‌تنه «خانه عروسی‌کی» را به عنوان صنف هنرمندان عروسی‌کی راه‌اندازی کرده است. بیش از دو دهه است که برای تأسیس موزه عروسی‌ها تلاش می‌کند. در دهه هشتاد شورایی را به کمک زنده‌یاد فرشته طائرپور برای کمک به پیشرفت و توسعه سینمای کودک و نوجوان تأسیس کرد و خون جگرها خورد. در همان ایام با پیگیری او «مشهور حقوق کودک» نهیه

و منتشر شد. اگر این کارها در محیط مساعدی انجام شده بود، روزگار سینمای کودک و نوجوان جور دیگری بود. از شوربختی ماست که هر چهار سال یک‌بار در این کشور باید چرخ‌ها دوباره اختراع شوند.

من همواره گفته‌ام «کار هر کس شبیه زندگی‌اش می‌شود. اگر زندگی‌اش شوربختی ماست که هر چهار سال یک‌بار در این کشور باید چرخ‌ها دوباره اختراع شوند. من همواره گفته‌ام «کار هر کس شبیه زندگی‌اش می‌شود. اگر زندگی‌اش شوربختی ماست که هر چهار سال یک‌بار در این کشور باید چرخ‌ها دوباره اختراع شوند.

من همواره گفته‌ام «کار هر کس شبیه زندگی‌اش می‌شود. اگر زندگی‌اش شوربختی ماست که هر چهار سال یک‌بار در این کشور باید چرخ‌ها دوباره اختراع شوند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

- ۱- رنگ انرژی‌زا- ناشکیبایی و بی‌تابی
- ۲- قصیده‌سرای قرن ششم - صمغ تقویت حافظه- نام مردانه
- ۳- مهم‌ترین اصل اعتقادی مذهب تشیع - همراه «دهل» - آفریننده
- ۴- رغبت- فلز هادی- واحد شمردن صابون- ترک دنیا
- ۵- هنوز انگلیسی- زن- همنشین- ریزنمرات آزمایش یک پرش
- ۶- دستور زبان- بی‌عیب و نقص- کارگاه جولایی
- ۷- امپراطور روم- وساطت معاملات- اسکار تلویزیونی
- ۸- سریالی به یادماندنی با نقش معروف «لین چان»
- ۹- چاهی در جهنم- پایبند به پیمان- حالا
- ۱۰- پول چشم‌بادامی‌ها- زورگو- روزانه
- ۱۱- کیوت صحرایی- نیم‌تنه گرم- پاران کم
- ۱۲- نوعی قارچ با زندگی انگی- کشور «لیبرویل» - زاپیدن- جای تحصن
- ۱۳- بی‌وقت- حصار- صبحانه نخورده
- ۱۴- از رنج رها شده- پیام‌های صوتی- روغن جلا
- ۱۵- گلر تیم شلی- ماشین درو و کشاورزی

عمودی:

- ۱- شاعر معروف ایرانی- گوشت بریان
- ۲- مهم بودن- نوعی آرزیم و هورمون- ترص
- ۳- پول خودمان- شرکت ارائه دهنده جی‌میل- هماهنگ
- ۴- لطیف- بین ساعد و بازو- شهر ایستاده- با «ناز» آید
- ۵- درخواست متواضعانه- تازنوشت- نفس آدم چاق
- ۶- عدد قهرمان- نقره- مراسم بزرگداشت
- ۷- گردگرد لب- قاضی اصلی مسابقه- بیرون
- ۸- مشایعت- تنابه- کاهگل بام
- ۹- حنا- ماده اولیه شکلات- خطاب نزدیک
- ۱۰- میوه گوشواره‌ای- کشت و زرع- سیخونک
- ۱۱- پروتکل برنامه‌های کاربردی بی‌سیم- گياه خورشتی- جا
- ۱۲- از اقوام اسلاو- وظیفه و عمل- وبگاه- هفتمین رود بلند جهان
- ۱۳- چیزهای لازم- بیمارستانی در شمال غرب تهران
- دختر خوش خبرا
- ۱۴- سنجاق مو- اشاره به دور- گياه
- ۱۵- ملعون ابدی تاریخ- عهدنامه‌ای بین فتحعلی شاه قاجار و ناپلئون

افقی:

- ۱- سریال رضا عطاران- فیلمی صامت به کارگردانی «فلیکس باش»
- ۲- آهسته- واحد شمارش مغازه و قنات- علت‌ها و دلیل‌ها
- ۳- مرتعش- جواب گرفته- محکم
- ۴- کمیت- موجود فراطبیعی- نوعی هورمون
- ۵- کوچک‌ترین جزء یک فیلم
- ۶- حرف خطاب- کناری- گوش‌گن
- ۷- به‌آخر رسیده- اخبار انگلیسی- برادر آبادانی
- ۸- درگیر- فعالیت‌ها- کارها- سندروم تنفسی خاورمیانه

شما مرضیه برومند، چهل و هفت سال دارید!

امیر انبائی
طراح صحنه
و لباس

پادم میاد همان سال‌ها که فیلم «من، ترانه، پانزده سال دارم» خیلی سر و صدا کرده بود، عنوان یکی از گفت‌وگوهای منتشر شده‌ات این بود: «من، مرضیه، پنجاه و یک سال دارم!» که لابد واقعیت داشت. حالا هم به لحاظ تقویم «هفتادو چهار» ساله هستی اما به نظر میاد «چهل و هفت» سال بیشتر نداری! با همان شور و توان خستگی‌ناپذیری که همیشه داشتی و همچنان داری.

در جریان هشتم که می‌خواهی احتمالاً فیلم جدیدی را شروع کنی، وقتی با هیجان از چیزهایی می‌گویی که در مناطق دورافتاده کشورمان دیده‌ای و تلاش‌های موهطنانی که صادقانه و خالصانه در آن نواحی با هدفی ارزشمند به فعالیت‌های مدنی مشغول‌اند، پیداست که باز هم دنبال دروس می‌گردد! در دسر ساختن یک فیلم دیگر با موضوع دلخواهت: مراقبت از محیط زیست و افزایش آگاهی جماعت؛ مردمانی که اکثرشان به هزار و یک دلیل کمترین توجهی به طبیعت، منابع طبیعی و سرمایه‌های ملی‌شان ندارند و همراه با برخی دولتمردان کم‌دانش و سودجویان قدرتمند در تخریب و نابودی تدریجی و سریع آن سهیم‌اند. در سریال «آب‌پریا» شاهد بودم وقتی به تالاب خشک «پریشان» رفتیم، از مشاهده برهوتی که به‌جا مانده بوده بود بغض کردی و مثل مادری مهربان برای فرزند بیماراش اشک در چشم‌هایت جمع شد.

مرضیه برومند، هنوز هم کسانی هستند که همراهت باشند و در تولید این فیلم و فیلم‌های دیگری با هدف مراقبت از سرزمین‌مان و دفاع از ارزش‌های انسانی یاری‌ات کنند. فقط به فکر فیلم‌ساختن باش. خودت را گرفتار حضور در شوراها و جلسات نکن که اغلب‌شان فایده چندانی ندارند و در عمل هیچ کمکی نمی‌کنند به فیلمسازان و هنرمندانی که عمیقاً دغدغه‌هایی برای منافع واقعی ملی دارند. جسرأت عرض می‌کنم که وقت خودت را تلف نکن! به فیلم ساختن ات برس. اما نه! یک پروژه ناتمام دیگر هم

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

حل جدول ویژه شماره ۸۷۵۶